

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در  
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

بررسی و تحلیل واژه ها و نام های فارسی در پلنگینه پوش روستاوی

علی اکبر اجاکه

گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.

Email:Ali akbar.ojakeh@gmail.com

### چکیده

پلنگینه پوش منظومه‌ای عاشقانه- پهلوانی، شاهکار ادبیات کلاسیک گرجستان سده دوازدهم میلادی سروده شوتا روستاوی می‌باشد. وی در سرایش این اثر از شاعرانی مثل فردوسی، فخرالدین اسعد گرگانی و نظامی الهام گرفته به گونه‌ای که می‌توان گفت این اثر چه از لحاظ زبان و چه از نظر محتوای داستان، تحت تأثیر داستان پردازی ایرانی همچون شاهنامه فردوسی، منظومه ویس و رامین و آثار نظامی قرار گرفته است. هدف از این پژوهش، بررسی و تحلیل واژه ها و نام های فارسی در پلنگینه پوش می باشد. این پژوهش که با روش توصیفی - تحلیلی و براساس مطالعات کتابخانه‌ای صورت گرفته است، در صدد رسیدن به پاسخ این سؤال است که پلنگینه پوش چقدر تحت تأثیر زبان فارسی می‌باشد؟ در این مقاله با واژه هایی مانند چاشناگیر، دبدبه و نام هایی نظیر نستان داریجان و آفتانديل آشنا می‌شویم. بررسی پلنگیه پوش نشانگر آن است که روستاوی در سرایش این اثر واژه ها و نام‌های پرکاربرد فارسی را با اندکی دگرگونی به همان شکل در منظومه خود جای داده است.

کلمات کلیدی : پلنگینه پوش، واژه ها ، نام ها ، ادبیات فارسی.

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

## ۱. مقدمه

پلنگینه پوش سرایش شاعر پرآوازه گرجی شوتا روستاولی و یکی از بزرگ ترین شاعران ادبیات جهان در آخرین سال های قرن دوازدهم (نیمه دوم قرن ششم هجری قمری) گرجستان است. دکتر محمود عبادیان درباره پلنگینه پوش چنین می گوید: «پیدایش این اثر را منتقدان گرجی شناس بازتاب فرهنگی و ادبی عصر شکوفایی جامعه گرجی و اوج قدرت شهبانو «تامار» دانسته اند. این دوره ای است پیش از آغاز تاخت و تاز مغول و آن را «عصر طلایی» تاریخ گرجستان ثبت کرده اند.» (دلشاد، ۱۳۷۷: ۱۳). سطح فرهنگ، هنر و ادبیات گرجستان در دوره زندگی روستاولی متناسب با اوضاع سیاسی و اقتصادی آن کشور بود. همچنین ملت گرجستان با فرهنگ و ادبیات غنی ایران زمین کاملاً آشنا بودند.

«ترجمه های بسیاری از ادبیات کلاسیک ایران از جمله شاهنامه فردوسی، ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی (که ۵۰ الی ۶۰ سال پیش از سروده شدن، در گرجستان به زبان گرجی ترجمه شده) و ترجمه اشعار شعرای کلاسیک و معاصر ایران، به صورت کامل یا مجموعه اشعار بارها در گرجستان به چاپ رسیده است.» (امیراحمدیان، ۱۳۷۷: ۱).

از دیگر آثاری که در گرجستان در زمینه زبان و ادب فارسی به زبان گرجی ترجمه شده می توان به: کلیله و دمنه، لیلی و مجنون، خسرو و شیرین، یوسف و زلیخا، شمع و پروانه، دیوان حافظ شیرازی، بوستان سعدی، اشعار فلسفی امام خمینی (ره) و رباعیات عمر خیام نیشابوری اشاره کرد. (نگارنده، ۱۳۸۹ الف: ۲۰۰).

دانشمند گرجی ایوانه جاواخی شویلی عقیده دارد که «... فرهنگ ایران دوره اسلامی برای گرجیان نامأنوس نبوده است و آنان پیوسته برای علم و هنر ایرانی احترام قایل بوده اند ... نظم فارسی در شعر و ادبیات گرجی تأثیر بسیار داشته و گرجیان به اندازه خود ایرانیان به شعر

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

فارسی علاقه مند بوده اند... شعر و فرهنگ سبب ایجاد وحدت معنوی بین گرجیان و ایرانیان می گردید و دوستی و محبت را جانشین خصومت می ساخت.» ( کمائی، ۱۳۸۲: سخن مترجم). در این پژوهش، واژه ها و نام های فارسی در پلنگینه پوش مورد بررسی قرار می گیرد. با سیر اجمالی در زمینه گرجی پژوهی می توان دریافت کتاب هایی که درباره پلنگینه پوش نوشته شد، گاه خلاصه ای از داستان پلنگینه پوش را نشر می دادند و عقیده خود را درباره این منظومه و سراینده آن ابراز می داشتند. به عنوان نمونه در مجله ارمان، حمزه سردادور (طالب زاده) گزیده ای از پلنگینه پوش را بیان کرد یا استاد سعید نفیسی نیز دوبار در مقالات خود از موضوع داستان پلنگینه پوش یاد کرد. حمید زرین کوب در مقاله ای مفصل تأکید کرد که اگر چه تأثیر ادبیات فارسی بر پلنگینه پوش آشکار است اما این منظومه را باید پیک رنسانس شمرد. در سال ۱۹۶۶ دکتر مرتضی فاطمی، گزیده ای از این منظومه را به شعر فارسی (مثنوی) سرود. پلنگینه پوش شاهکار شوتا روستاولی با پژوهش و ترجمه فرشید دلشاد، در تهران سال ۱۳۷۷ چاپ شده است. همچنین پلنگینه پوش شوتا روستاولی برگردان فارسی به نگارش محمد کاظم یوسف پور، زیر نظر پروفیسور ماگالی تودوا، توسط انتشارات دانشگاه گیلان در سال ۱۳۷۹ به چاپ رسیده است. بنابراین موضوع این مقاله از تازگی لازم برخوردار می باشد؛ چرا که در این باره پژوهش کافی انجام نشده است. در این مقاله، این سؤال مطرح می شود منظومه پلنگینه پوش شوتا روستاولی چقدر تحت تأثیر زبان فارسی است؟

در این پژوهش واژه هایی مانند چاشناگیر، دبدبه، امیربار و فرمانی و نام هایی نظیر نستان داریجان، آفتانديل، مولغازانزار، گولانشارو، پریدون و رستمی با آوردن مصادیق فارسی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته اند.

## ۲. بحث

«پلنگینه پوش در گرجستان و ادبیات این کشور مقام برجسته ترین اثر حماسی ملی را یافته و محبوب مردم گرجستان و گرجی شناسان گردیده است. فرازهایی از این سروده در جشن ها، همایش های ملی، رسمی و مردمی، در جمع های دوستانه و خانوادگی فراخوانی می شده و می شود.» ( دلشاد، ۱۳۷۷: ۱۵).

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

بی شک تاریخ، فرهنگ، زبان و ادبیات هر قومی سند هویت آن قوم است و در تمامی نقاط جهان، برخی اشخاص که به حفظ و اعتلای تاریخ، فرهنگ و زبان و ادبیات نیاکان خود علاقه مندند- به ویژه گرجیان ایران زمین یا به تعبیر دقیق تر ایرانیان گرجی- در این زمینه به تحقیقات و پژوهش هایی مشغول می‌باشند.

کشور گرجستان سالیان دراز (از زمان هخامنشی تا دوره قاجاری) با ایران ارتباط بسیار نزدیک سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و به خصوص ادبی و فرهنگی داشته از این روگرجی ها تحت تأثیر زبان و ادبیات ایران قرار گرفته اند در نتیجه بسیاری از واژه های ایرانی را در آثار شاعران و نویسندگان کشور گرجستان مشاهده می‌کنیم که تشخیص این امر به تبحر در هر دو زبان و لهجه های متعدد ایرانی و گرجی نیازمند است.

باید گفت با انجام چنین پژوهشی شناخت اصل و ریشه واژه ها و نام های فارسی امکان پذیر می‌گردد. در ذیل به معرفی چند نمونه از واژه ها و نام های فارسی که در پلنگینه پوش روستا ولی آمده، می‌پردازیم:

## ۱.۲. چاشناگیر = چاشنی‌گیر

واژه چاشناگیر ترکیبی است که در زبان فارسی به آن چاشنی‌گیر می‌گویند. «در زمان های قدیم که مسموم کردن پادشاهان به وسیله منسوبان بدخواه شاه یا درباریان سابقه داشت خوالیگر خاص پیش از آنکه پادشاه به غذا خوردن آغازد از طعام وی یک یا چند لقمه بر می‌گرفت. چاشنی می‌کرد و می‌خورد تا معلوم شود آن غذا زهر ندارد این کار را چاشنی‌گری می‌گفتند.» (نگارنده، ۱۳۸۹: ۲۷۳-۲۷۲). گاه این واژه در زبان فارسی به کنایه دربار معنایی باژگیر و مانند آن نیز آمده است و این ساختار معنایی در پی رنگ سروده پلنگینه پوش نیز پذیرفتنی است. چنانکه در منظومه پلنگینه‌پوش این گونه آمده که چاشناگیر دلدادۀ نابکار فاطمه خاتون است و پیوسته با رازی که از فاطمه خاتون به دست دارد در پی آزار و باژخواهی از اوست. (دلشاد، ۱۳۷۷: ۶۷) افزون بر این، واژه چاشناگیر بی‌گمان همان ترکیب چاشنی‌گیر است که خوالیگر و چشندۀ خوراک های شاهانه بوده است.

## ۲.۲ امیر بار

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

« سپهد و سالار دریاها، جایگاهی که به سده ۱۲ و ۱۳ میلادی در هندوستان برابر ناو خدا و دریا سالار امروزی بوده است» (دلشاد، ۱۳۷۷: ۶۰۱) اما در ساختار حماسه پلنگینه پوش، نام امیر بار بیشتر شایسته جایگاه پرده دار و حاجب بزرگ می باشد.

«حاجب بزرگ»؛ «حاجب» در فارسی به معنای پرده دار و دربان و آنکه مردمان را از وارد شدن باز می دارد (نگهبان) آمده است. در دوره غزنویان از یک سو حاجبان سلطان از میان امرا انتخاب می شده اند و از سوی دیگر حاجبان درجات پایین نیز به امارت و حکومت و وزارت می رسیده اند. در درگاه غزنویان کسانی که به شغل حاجبی ارتقا می یافتند خلعت ویژه ای می پوشیدند که عبارت بوده از: قبای سیاه، کلاه دو شاخ و کمرزر. در دربار غزنویان حاجبان نسبتاً زیاد بوده و تشریفات رسمی مانند پیشباز از وزیر و بردن افرادی که شغلی بزرگ می یافته اند به جامه خانه برای خلعت پوشی، با اینان بوده است. «حاجب بزرگ»؛ حاجبان را ریشی بوده که بیهقی از این فرد و شغل وی، گاه با عنوان «مقدم حاجبان» و گاه «زعامت حجاب» و یا «حاجب بزرگ» و «حاجب بزرگی» نام می برد. «حاجب بزرگ» به منزله وزیر دربار امروزه بوده که همه کارهای درگاه (دربار) را اداره می کرده و از افراد نزدیک به سلطان به شمار می رفته است. این مقام را «سالاربار» و «بارسالار» نیز می گفته اند. (روان پور، ۱۳۷۲: ۵۰). در تاریخ بیهقی وقتی خواجه بزرگ (= نخست وزیر) معین می شود، حاجب بزرگ، وی را برای خلعت پوشیدن به جامه خانه می برد در حالی که همین تشریفات برای عارض لشکر (= وزیر جنگ) به وسیله دوتن از حاجبان انجام می پذیرد. (همان: ۵۰).

## ۳.۲. فرمانی = فرمان

فرمانی به همین ساختار با اندکی دگرگونی و به همان شکل در فارسی و گرجی کاربرد دارد. فرمان؛ دستور و احکام کتبی که شاه صادر می کرد.

## ۴.۲. دبدببی = دبدبه

باز با اندکی دگرگونی در ساختار، همان واژه دبدبه و ساز و برگ جنگی است. دبدبه؛ نوعی طبل در قدیم.

## ۵.۲. نستان داریجان = نیست اندر جهان

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

نام نستان داریجان به گمانِ برخی پژوهشگران ترکیبی از: «نیست اندر جهان» است. «نیست اندر جهان» نام کنیز، بانوی زیبایی که در زیبایی نظیری مانند او نیست (دوشیزه ای با زیبایی فرا جهانی). (نگارنده، ۱۳۸۸: ۳۶-۳۵). در پلنگینه پوش اثر روستا ولی اشاره به دلبر گمشده تاریل است که در این حماسه سراسر رویدادها و درون مایه چالش های ساختاری داستان بر پیکره او استوار می باشد، داستان با رها شدن او از دست کاجیان (اهریمنان) به فرجام خود نزدیک می گردد. (دلشاد، ۱۳۷۷: ۶۵).  
در شرفنامه نظامی نیز دلبری بدین نام خوانده شده است:

توگفتی که خود نیست او را دهان همان نام او «نیست اندر جهان»  
(نظامی، ۱۳۶۳: ۴۱۴ ب ۳)

و نیز:

چو من نیست اندرجهان کس به کام از آن نیست اندر جهانم به نام  
(دلشاد، ۱۳۷۷: ۶۶)

## ۶.۲. مولغازانزار = مرغزار

واژه مولغازانزار برگردان واژه مرغزار یا مرغزاران است. بدان جهت که سرزمین افسانه ای مولغازانزار به چشم انداز نیز مانند مرغزاری سبزه پوش به نظر می آید (دلشاد، ۱۳۷۷: ۶۶). سرزمین پادشاهی فریدون در حماسه پلنگینه پوش روستا ولی.

مرغزار: سبزه زار، چمنزار، راغ.

## ۷.۲. گولانشارو = گلان شهر

واژه گولانشارو دگرگون شده از دو واژه گل و شهر است که گلان شهر ترجمه می شود. مارژوری واردروپ. نیز به زیرنویس برگردان انگلیسی آن را شهر گلها خوانده است. گولانشارو

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

شهرافسانه ای که در حماسه پلنگینه پوش پایگاه فاطمه خاتون است. این واژه چنانکه ذکر شد ریشه فارسی دارد (نگارنده، ۱۳۸۸: ۳۳).

## ۸.۲. آفتان‌دیل = افتان و دل

« آفتان‌دیل نام یکی از پهلوانان سه‌گانه حماسه پلنگینه پوش است این کلمه ساختاری ترکیبی از دو واژه افتان و دل می‌باشد که بر روی هم افتاده‌دل یا افتان‌دل می‌گردد که خودبار معنایی دلشده و دل‌افتاده را به دوش می‌کشد.» (دلشاد، ۱۳۷۷: ۶۷-۶۶). آفتان‌دیل فرمانده سپاه و عاشق تیناتین است. از محتوا و درون مایه سروده پلنگینه پوش چنین برمی‌آید که هر دو واژه دل‌افتاده و دلشده با ویژگی‌های این پهلوان متناسب است چرا که از یک سو آفتان‌دیل جنگاوری است که سال‌ها برای رسیدن به تیناتین در تلاش و تکاپو بوده و از سوی دیگر به هر جا قدم می‌نهد، همه مردم از زن و مرد را شیفته خود می‌کند.

## ۹.۲. پریدون، فریدون، آفریدون

پادشاه سرزمین مولغازانزار و یکی از پهلوانان حماسه پلنگینه پوش که به پایمردی او و سپاه وی نستان داریجان از دست کاجیان ( اهریمنان ) رهایی می‌یابد. پریدون در حماسه گاهی تنها با عنوان « نورالدین » خوانده شده است.

در شاهنامه فردوسی فریدون ششمین پادشاه جهان، پسر آبتین از تبار جمشید است که مملکت را از ضحاک بازگرفت. پایتخت فریدون شهرساری بوده است. (نگارنده، ۱۴۰۱: ۳۶).

ز دریای گیلان چو ابر سیاه	دُمادُم به ساری رسید آن سپاه
چو آمد به نزدیک شاه آن سپاه	فریدون پذیره بیامد به راه

(فردوسی، ۱۳۸۰: ۴۹۲)

## ۱۰.۲. رستمی = رستم

روستاوی در اثر گران سنگ خود پلنگینه پوش در جای جای منظومه از رستم، پهلوان شاهنامه فردوسی به گونه ای استعاری و تشبیهی نام می‌برد و هر نوع شک و تردید را در باره ناآشنایی خویش با فرهنگ و آیین ایرانی از اندیشه خواننده و پژوهشگر می‌زداید.

رستم جهان پهلوان معروف شاهنامه پسر زال و رودابه. نواده سام نریمان که در شاهنامه به عناوین: تهمتن، خداوند رخس، تاجبخش، پیلتن و ... خوانده شده است (نگارنده، ۱۴۰۱: ۳۵).

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در  
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

### ۳. نتیجه گیری

در این مقاله با بررسی و تحلیل واژه‌ها و نام‌های فارسی در پلنگینه پوش شوتا روستاولی آشنا شدیم. با مصداق‌هایی که در این مقاله ارائه شد، در این باره می‌توان گفت گرجستان از دیر باز ( از زمان هخامنشی تا دوره قاجار) با ایران ارتباط سیاسی، اجتماعی و به ویژه ادبی و فرهنگی داشته و از این رو برخی

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

واژگان فارسی نیز وارد زبان گرجی شده « نیست اندر جهان » که در پلنگینه پوش روستا ولی و زبان گرجی به صورت « نستان داریجان » بیان می شود در شرفنامه نظامی بدان اشاره شده است. بنابراین ملت گرجستان با فرهنگ و ادبیات غنی ایران زمین کاملاً آشنا بوده است چرا که حماسه پلنگینه پوش آیین تمام نمای گرجستان سده های دوازدهم و سیزدهم میلادی می باشد که تحت تأثیر ادبیات فارسی به ویژه شاهنامه فردوسی، منظومه ویس و رامین و آثار نظامی بوده است. روستا ولی در سرایش پلنگینه پوش در شاهکار ادبی خود اصل و منشأ ایرانی برای اثر خود ذکر می کند.

واژه ها و نام های فارسی پر کاربرد در زبان گرجی بسیار است که به نوبه خود نشان دهنده ظرفیت پذیرش ساختار زبان گرجی با واژگان بیگانه است و از سوی دیگر نمایانگر ژرفای پیوستگی دو فرهنگ باستانی فارسی و گرجی به یکدیگر می باشد. بنابراین بسیاری از واژه ها و نام های فارسی به این زبان راه یافته و حماسه پلنگینه پوش که خود گنجینه ای از واژگان کهن ادبیات فارسی است شاهدهی بر این مدعاست و لازم است با بررسی موشکافانه زبان شناسان، واژگان و نام های فارسی به طور دقیق ریشه یابی شده و اصل و منشأ آنها مشخص شود.

بررسی پلنگینه پوش نشانگر آن است که روستا ولی در سرودن این اثر واژه ها و نام های پر کاربرد فارسی را با اندکی دگرگونی در منظومه خود جای داده است.

## منابع

۱. امیراحمدیان، بهرام. (۱۳۷۷). جغرافیای گرجستان، تهران: بین المللی الهدی.

۲. دلشاد، فرشید. (۱۳۷۷). پلنگینه پوش، تهران: انتشارات ایران جام.

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

۳. روان پور، نرگس. (۱۳۷۲). گزیده تاریخ بیهقی، چاپ چهارم، تهران : چاپ و نشر بنیاد.
۴. فردوسی توسی. (۱۳۸۰). شاهنامه فردوسی، شرح مهتری بهفر، جلد اول، تهران : انتشارات هیرمند.
۵. گگوچادزه، لیلا. (۱۳۸۲). دستور زبان گرجی برای فارسی زبانان، ( ترجمه و اضافات فردین کمایی)، رشت : دانشگاه گیلان.
۶. نظامی گنجه‌ای. (۱۳۶۳). شرفنامه، وحید دستگردی، جلد سوم، تهران : انتشارات علمی.
۷. نگارنده. (۱۴۰۱). تاریخ و فرهنگ عامه گرجی محله و داستان محمد جبه، ساری : سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی، شعبه مازندران.
۸. ..... (۱۳۸۸). بررسی و تحلیل سیر فرهنگ گرجی در ادب فارسی با تکیه بر عصر صفویه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری.
۹. ..... (۱۳۸۹). الف : «جایگاه شاعران گرجی در ادب فارسی»، فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، (۲۵) : ۱۹۷-۲۱۵.
۱۰. ..... (۱۳۸۹). ب : «بررسی و تحلیل سیر فرهنگ گرجی در ادب فارسی»، فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، (۲۸) : ۲۶۶-۲۸۰.
۱۱. یوسف پور، محمد کاظم. (۱۳۷۹). پلنگینه پوش، شوتا روستاولی، چاپ اول، گیلان : انتشارات دانشگاه گیلان.

Analysis of Persian words and names in Palanginehpoush by Rousta Veli

Aliakbar Ojakeh

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در  
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

Persian literature and language group, sari department, Islamic azad university, sari, Iran.

Email: Aliakbar. Ojakeh @gmail. Com

### Abstract

Palanginehpoush is a romantic-athletic poem and Georgia's classic literature masterpiece in the ۱۲<sup>th</sup> century composed by Rousta Veli. He inspired by poets such as Ferdosi, fakhroddin asad gorgani, and Nezami. It could be said that this work influenced by Iranian fictions such as Ferdosi Shahnameh, veis va ramīn poem and Nezami works in terms of language and content. The purpose of this study is analyzing Persian names and words in Palanginehpoush. This study has been conducted by analysis \_descriptive method based on librarian studies to answer the question that how much Palanginehpoush is influenced by Persian language? we will get to know the names such as chashnagir, dabdabeh, nestan darijan, and aftandil. It is indicated that Rousta Veli substituted useful Persian names and words by little changes in the composition of this work.

**Keywords:** palanginehpoush, words, names, Persian literature